

## صاحبان رسالات موسیقی

نوشته حسینعلی ملاح

در مقاله شماره قبل، راجع به موسیقی صدر اسلام مطالبی نوشتیم و به این نتیجه رسیدیم که :

ملت ایران به نوعی از موسیقی که وابسته به پارگاه امیران و حاکمان بود روی خوش نشان نداد، ولی دوران این انزجار و تنفر زمان درازی نپایید. از ابتدای قرن دوم هجری است که نوشتن رسالاتی درباره موسیقی میان مسلمانان آغاز میگردد. اکنون محض معرفی مؤلفان این رسالهها و چگونگی اثر یا آثار ایشان به اعتبار کتاب: منابع موسیقی عرب<sup>۱</sup>، تالیف هانری-جرج فارمر- و افزودن مطالبی ضروری به نیت بهتر شناساندن برخی از این مؤلفان به نگارش این سلسله مقالات میپردازیم.

### ۱- یونس کاتب

نامش : یونس بن سلیمان الکاتب است که بسال ۱۰۷ هجری مطابق با

۷۶۵ میلادی در گذشته است .

مشهورترین رسالاتش عبارتند از:

الف : کتاب الاغانی ( که در آن از لحنها و وزنها و معاریف موسیقی

سخن رفته است . )

ب : کتاب المجرد [ الاغانی ] لی یونس

ج : کتاب النغم - ( این کتاب بی شک نخستین رساله ایست که راجع به

تئوری موسیقی در آن بحث شده است . )

د : کتاب الفیان - ( این رساله شرح احوال دوشیزگان و زنان خواننده

عرب میباشد )

## ۲- الخلیلی

نامش : الخلیلی بن الاحمد - است که بسال ۱۷۵ هجری مطابق با

۷۹۱ میلادی در گذشته است . مشهورترین رسالاتش عبارتند از :

الف : کتاب النغم ( که در حقیقت صدآشناسی است )

ب : کتاب الایقاع ( که ریتمها یا اوزان مختلف موسیقی معرفی شده

است )

رشدشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## ۳- یوحنا ابن بطریق

این شخص مانند : الحجاج الحسیب - و - عبدالملیح نعیمه یک مترجم

مسیحی بوده که آثار یونانی و سریانی را به عربی ترجمه میکرد . وفاتش

بسال ۳۰۰ هجری اتفاق افتاده و مشهورترین اثر وی ، ترجمه کتاب : السیاسه

تألیف ارسطو است . در مبحثی از این کتاب راجع به قانون آبی ، ( یا ارغنون آبی )

که همان ارگ آبی باشد ) گفتگوشده است .

نکته قابل توجه اینستکه : از ابتدای قرن سوم هجری است که مسلمانان

از طریق ترجمه آثار یونانی باقواعد و اصول موسیقی آن ملت آشنا میشوند

و چنان می پندارند که مبتکر و ابداع کننده این قواعد یونانیان هستند - در

صورتیکه چنین نیست و مادر مقاله: سایقه تاریخی خط موسیقی به بی بنیاد بودن این اندیشه اشاره کرده ایم.

#### ۴- ابن جامی

نامش : ابوالقاسم اسماعیل بن جامی است که بسال ۱۸۹ هجری مطابق با ۸۰۳ میلادی در گذشته است. مشهورترین اثر وی : المآته الصوت المختاره است که شامل یکصد لحن برگزیده است که بنا به دستور هارون الرشید توسط وی گردآوری شده است

#### ۵- ابراهیم موصلی

نامش : ابراهیم بن ماهان ابن بهمن الموصلی است که بسال ۱۲۵ هجری در کوفه بدنیا آمده است. اصلا ایرانی است ولی چون در موصل تربیت و شهرت یافت به موصلی معروف شد  
مؤلف اغانی نوشته: «حماد بن اسحق از قول پدر اسحق نقل میکند که : ابراهیم به موصل عزیمت کرد و در آنجا مبانی موسیقی را فرا گرفت و سپس به ری مسافرت کرد و در آنجا به تحصیل موسیقی پرداخت و با زنی ایرانی موسوم به دوشار<sup>۱</sup> ازدواج کرد و غزل و آهنگی در بحر هزج برای او ساخت».

ابیات این ترانه اینست :  
دوشار یا اسیدتی یا غایتی و منیتی  
ویا سروری من جمیع الناس ردی سنیتی  
یعنی : دوشار ای بانوی من ای آرزوی نهائی من  
تو در میان خلائق یگانه مایه شادمانی منی  
خواب و آسایش را بمن برگردان  
اسحق موصلی از قول پدرش (ابراهیم موصلی) نقل میکند : «نخستین

۱ - اغانی جلد پنجم صفحه ۲۴۳

۲ - نام دیگر دوشار ، شاهک بوده است و بنا بر گفته مؤلف اغانی، دوشار اهل ری بوده و صدائی خوش داشته و همراهِ دف آواز میخوانده است.

پولی را که از هنرم بدست آوردم روزی بود که پس از مدتی اقامت درری عازم موصل بودم - میان راه ، یکی از گماشتگان یارسلان خلیفه ابو جعفر منصور که برای یکی از عمال خلیفه نامه‌ای میبرد مرادید و آواز من را شنید. نوازندگی و خوانندگی من چنان در وی مؤثر افتاد که پالتوی پوست سمور خود را بعنوان خلعت به من داد. این شخص از من جدا شد و تصور نمی‌کردم که بار دیگر او را ملاقات کنم - اما بهنگامی که او به بغداد مراجعت میکرد یکبار دیگر نیز او را در کاروانسرای بین راه دیدم. این بار، او که از عامل خلیفه جامه‌ها و هفته‌زار درهم پاداش دریافت کرده بود از من درخواست کرد که برایش آواز بخوانم و عود بنوازم - من بی مضایقت چنان کردم و او تا آنجا تحت تاثیر موسیقی من قرار گرفت که نیمی از جامه‌ها و مبلغ دوهزار درهم بمن عطا کرد.

این نخستین پولی بود که من از راه هنرم بدست آوردم و تصمیم گرفتم که آن را صرف پیشرفت هنرم بکنم ... در همین زمان آگاهی یافتم که در شهر «ابله» شخصی بنام «جوانویه» در هنر موسیقی مهارت بسزائی دارد. نزد او رفتم - دیدم که با شاگردانش مشغول تمرین است . - کناری نشستم تا فراغت یافت ، آنگاه نیاز خود را با وی در میان نهادم ، با کشاد روئی به حاجتم جواب مساعد داد و از من خواست که شب را در منزل او بمانم. آنشب گروهی از موسیقی دانهای فارسی در منزل او گرد آمدند و مشغول نواختن و خواندن شدند - هنر جالبی از هیچیک از آنها ندیدم - ثبوت بمن رسید - نواختم و خواندم ، جملگی بر پا خاستند و پیشانی مرا بوسیدند - جوانویه گفت : سخت ما را تحت تاثیر هنر خود قرار دادی ما به دانش و هنر تو نیازمندیم نه تو... چند روزی در آنجا اقامت داشتم تا اینکه محمد ابن سلیمان ابن علی حیری آمد و از من خواست که در ملازمت او باشم ، گفتم : ای امیر ، من قصد ندارم که از این طریق معیشت خود را تأمین کنم ، بلکه قصد دارم حال که قواعد آواز را فرا گرفته‌ام به کوفه بروم و این قواعد را در میان مردمان کوفه نشر بدهم و از طریق تعلیم شاگردان زندگانی خود را سامانی به بخشم ... ولی سخنان من سودی نداد و با اصرار مرا با خود برد. از من پرسید : اهل کجائی؟ - گفتم : اهل موصل - و این کنیه

از همان زمان بمن تعلق گرفت.

المهدی، نخستین خلیفه ایست که آواز مرا شنید. وی قبل از من آواز کسی را نشنیده بود بجز «فلیح بن ابی العوراء» و «سیاطه» که این اشخاص را فضل بن ربیع به خلیفه معرفی کرده بود.

بعد از خلافت المهدی، ابراهیم به بارگاه هارون الرشید راه می یابد و از مقر بان و ندیمان وی میگردد.

از خدمات برجسته ابراهیم موصلی: اصلاح کردن «اخباس الفناء» (یعنی: اصلاح کردن دانه های موسیقی) - «طرائقه» (یعنی: لحن ها) ابداع قواعدی برای خواندن آواز و نواختن عود. ابداع اصولی برای پیوند موسیقی با کلام و ساختن آهنگ و تربیت شاگردان است.

در تاریخ تمدن اسلام آمده است که: «آموزش و پرورش کنیزان یکی از کارهای سودمند آن روزگار بود، کارشناسان به بازار برده فروشان میرفتند و کنیزك با استعداد را از میان چندین کنیز برگزیده میخریدند و او را تربیت میکردند و به حفظ کردن قرآن و اشعار و امید داشتند، علم نحو و عروض می آموختند یا هنرهای دیگر به او یاد میدادند و به بهای بسیار میفروختند.»

ابراهیم موصلی یکی از همین کارشناسان بود که به بازار برده فروشان میرفت و کنیزانی را که سبمائی خوش و صدائی مطلوب و اندامی دلربا داشتند میخرید و تحت تعلیم قرار میداد. رفته رفته خانه او تبدیل به آموزشگاهی جهت تعلیم و تربیت کنیزان صاحب استعداد شده بود.

یکی از این کنیزان یا درستربکومیم شاگردان ابراهیم موصلی «دنانیر» نام داشته است که سخت دل از هارون الرشید ربوده بود.

صاحب آغانی مینویسد: «دنانیر کنیزکی بود از خون مخلوط و نژاد مختلف، زنی بود سیاه چرده با حسن و جمالی منظم... خوانندگی و خنیاگری را از بندل و فلیح و ابراهیم موصلی و ابن جامی و اسحق ابن ابراهیم فرا گرفته بود. آوازش چنان بالحن و نوای استادش ابراهیم شباهت داشت که میان آواز او و ابراهیم تفاوتی احساس نمیشد...»

ماجرای زندگی دنائیر تا آنجا دلکش است که درین است هر آنکه بخله نقل  
نشود. بنا بر این به اختصار به ذکر آن بپردازیم: توضیح در این باب

این کنیز آواز خوان و خنیاگر توسط یحیی بن برمکی و هارون و فلرین  
شد، خلیفه چنان شیفته وی گردید که نمیتوانست لحظه‌ای از او دوری بخورد و او را تحمل  
کند. سرانجام زبیده همسر خلیفه نسبت به وی خشمگین گردید و او را به گمان سندنهارون  
گزیری ندید که برای ملاقات دنائیر به خانه یحیی برود. یکبار کردن بندی  
را که سی هزار درهم ارزش داشت به او بخشید که البته پس از سقوط برمکیان  
این کردن بند به خلیفه مسترد شد. توضیح در این باب

هارون، پسر از مرگ یحیی برمکی، دنائیر را از حصار کرد و از او بی‌بهره  
خواندن نمود. بنا به قول صاحب اغانی و دریا قوت:

دخلیفه به دنائیر گفت: برمکیان به حسن اطمنان بنعم بخودشان خیانت  
ورزیدند و از این حیث در خور مجازات شدیدی بودند و دنائیر باید آنها را  
فراموش کند و به این فکر باشد که دیگران با اشتیاق، صلوات و یادشاهی به او  
خواهند داد که به اضعاف بیش از آن خواهد بود که از ارباب سابق خود دریافت  
میداشته است. توضیح در این باب

دنائیر در جواب گفت: من هر چه دارم از برکت برمکیان است، حتی  
افتخار تقرب بدربار خلیفه را نیز مدیون آنها هستم. بنا بر این عهد کرده‌ام که  
پس از انقراض آن مردم نیکوکار دیگر آواز نخوانم - و گریه صدایش را  
قطع کرد. توضیح در این باب

تسلیات از این چهارده بیت بر گردید، غلامی داشت بنام مسرور که عنوان  
(صاحب عذاب) به او داده بودند. خلیفه مسرور را ایضا در کوی و نهان گرفت  
آنقدر دنائیر را مشتکجه بنامش بخواستند که دنائیر ناگزیر عود را در بر گرفت  
و اشک ریزان اشعار ذیل را خواند: توضیح در این باب  
تسلیات از این هجده بیت بر گردید، غلامی داشت بنام مسرور که عنوان  
میداد به او داده بودند. بنا به قول صاحب اغانی و دریا قوت:

لما رأيت الديار قد درست      ايقنت ان الينم لم يعد<sup>۱</sup>  
هارون سخت متأثر شد و دنانیر را مرخص کرد و بنا بر بعض روایتها  
بیش از چند سالی پس از سقوط برمکیان زندگی نکرد. فارمر معتقد است که:  
کتاب : مجرد فی الاغانی، از نوشته‌های دنانیر است .

ابراهیم موصلی بسال ۱۸۸ هجری مطابق با ۸۰۴ میلادی در گذشته  
است. در مرگش مرثیه‌های بسیار سرودند از آن جمله مرثیه‌ایست که «ابن سیابه»  
ساخته و ابراهیم المهدی آنرا تغنی کرده است. دو بیت از این مرثیه چنین  
است :

تولی الموصلی فقد تولت      بشاشات المزاهر والقیان  
ستبکیه المزامر والملاهی      وتسمدهن عاتقة الدنان<sup>۲</sup>

۱- معانی این ابیات چنین است،  
ای مردمان نیکوکاری که از میان مارخت بر بستید، و در پیج و خم حوادث  
از دیده‌ها محوشدید، وقتی دیدم که جایگاه شما ویران گشته یقین کردم که خیر و  
برکت نیز از دیار مارخت بر بسته است .  
آقای عبدالحسین هیکده، تحت تاثیر ابیات فوق، شعری بهمین مضمون  
سروده است که در حاشیه کتاب برمکیان چاپ شده است،  
هر چند دورم از تومن، ای خانه امید  
چهر تو در مقابل چشمم مجسم است  
بگذشت دور عزت و عشق و نشاط و شوق  
اینک مقام ذلت و بدبختی و غم است  
آن خانه سعادت و کاخ رفیع عشق  
دیدم که آشیان غم و رنج و ماتم است  
آن خانه سعادت، ویران شد و نماند  
جز خاطری حزین و دو چشمی که بر نم است

۲- معنای شعر چنین است ،  
آن شادبها که در بربطها و زنان سرودگری بود باموصلی از میان رفت  
ای نایها، وای کهنه شراپها وای سراهای شادمانی در مصیبتش زاری کنید

شاعری دیگر درقطعه‌ای سروده است:

اصبح اللهو تحت عفرالتراب  
و بکت الة المجالس حتى  
تاویاً فی محلة الاجباب  
رحم العود و معة المضراب

### ۱۳- اسحق موصلی

یکی دیگر از شاگردان ابراهیم موصلی که بعد از او مقام و منزلت وی را دربار گاه خلیفه اشغال کرد فرزندش اسحق موصلی است  
نامش: ابو محمد اسحق بن ابراهیم الموصلی است مؤلف کتاب: جمهرة المغنن در باره نام اسحق نوشته است: «هو ابو محمد اسحق بن ابراهیم بن ماهان بن بهمن بن نسک التمیمی بالولاء الارجانی الاصل المعروف به ابن النديم.»

و در ذیل صفحه ارجان را چنین توصیف کرده است: «الارجانی نسبة الى ارجان - و ارجان بلدة في فارس بينها وبين شیراز ، ستون فرسخاً»  
اسحق بسال ۱۵۰ هجری متولد شد و در ماه رمضان سال ۲۳۵ هجری درگذشت. ابن ندیم در کتاب الفهرست نوشته است: «اسحق روایت کننده اشعار عرب بود. با فصیحان مرد وزن عرب روابط دوستی داشت، شعر نیک میسرود و صدائی بسیار خوش داشت. تألیفاتش بشرح زیر است (به استثناء کتاب الاغانی الکبیر) که مورد اختلاف است و ما آنرا علیحده شرح خواهیم داد:  
۱- کتاب اغانیه التي غنا بها (متضمن الحانیه است که خود اسحق ساخته و اجرا کرده است)

۲- کتاب اخبار المیلاء (میلاء زلی بوده است خوش آواز بنام عزت المیلاء که بسال ۸۶ هجری درگذشته است. این کتاب شرح احوال این بانوی هنرمند است)

۱- معنای شعر چنین است:

او نیز به یاران خود پیوست  
و برپه به مضراب تسلیم سرشک  
از رخس پاک کرد

شادمانی و طرب بزیر خاک رفتند  
سازهای طرب در مرگش ندبه کردند



۳- مجموعه آوازاها والحنانی که خود او در مجالس مختلف تفسیر کرده است .

۴- کتاب اغانی معبد (مجموعه آوازه‌ایست که معبد موسیقی دان اوایل قرن دوم هجری ساخته است)

۵- کتاب اخبار حماد عجرد (شرح احوال عماد عجرد آهنگساز قرن دوم هجری است)

۶- کتاب حنین الحیری<sup>۱</sup> (وی یکی از مسیحیانی است که بعنوان یکی از اولین موسیقی دانهای عصر اموی شناخته شده است. حیری بسال ۱۰۱ هجری در گذشته است)

۷- کتاب اخبار المغنین و المکیین<sup>۲</sup>. (تذکره‌ایست راجع به عمال خلفای اموی)

۸- کتاب اخبار طویس (شرح احوال خواننده ودف نواز مشهور صدر اسلام است که بسال ۸۶ هجری در گذشته است)

۹- کتاب اخبار سعید بن مسیح (بسال ۹۷ هجری در گذشته است. وی بنیان گذار نخستین مکتب موسیقی عرب است .)

۱۰- کتاب اخبار الدلال (از غلامان سرودگری المیدانی بوده است)

۱۱- کتاب محمد بن عایشه (بسال ۱۲۶ هجری در گذشته است ، وی

یکی از خوانندگان بوده که ابن الکلینی همواره او را با ساز خود همراهی میکرده است .)

۱۲- کتاب اخبار الابجر<sup>۳</sup> (ابجر نیز دومین خواننده مشهور عصر اموی بوده است .)

---

۱- در الفهرست الخیری ثبت شده که نادرست است. حیری یعنی اهل حیره - ر - ك به فارمر

۲- در جمهرة المغنین ، اخبار المکسن - و در حاشیه اغانی ، المسکین ثبت شده است که می‌پندارم هر دو نادرست باشد - ر - ك به فارمر -

۳- در حاشیه الفهرست الابجر - و در جمهرة المغنین ابجر ثبت شده است - ر - ك به فارمر

- ۱۳- کتاب اخبار ابن صاحب الوصوء<sup>۱</sup>  
 ۱۴- کتاب الاختیار من الاغانی للوائق (مشمول بر الحانی بوده که برای  
 الواثق انتخاب کرده بوده است)  
 ۱۵- کتاب اللحظ والاشارات  
 ۱۶- کتاب الشراب  
 ۱۷- کتاب موارد الحکماء  
 ۱۸- کتاب جواهر الکلام  
 ۱۹- کتاب الرقص والزفن (این کتاب در مورد رقصها و وزنهای متداول  
 پایکوبی بوده است - شاید بتوان گفت که این نخستین کتابی بوده که از فن  
 کورئوگرافی Choreographi در آن بحثی بمیان آمده است.)  
 ۲۰- کتاب [اخبار] الذلین<sup>۲</sup>  
 ۲۱- کتاب قیان الحجاز (شرح احوال دوشیزگان سرودگری حجازی  
 است)

- ۲۲- کتاب الرسالة الی علی بن هشام  
 ۲۳- کتاب منادمة الاخوان وتسامر الخلان  
 ۲۴- کتاب الاخبار والنوادر  
 ۲۵- کتاب الندماء (ندماء به مردمانی اطلاق میشده است که دوستدار  
 موسیقی و شراب و خوشگذرانی بوده اند)  
 ۲۶- کتاب المنادیمات کاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 ۲۷- کتاب النغم والایقاع و عدد مهاله (در جمهره المغنین و منابع موسیقی  
 عرب جمله و عدد مهاله محذوف است - این کتاب درباره صوت شناسی و وزن  
 شناسی گفتگو کرده است.)  
 ۲۸- کتاب اخبار معبد و ابن سریق - (سه تن از موسیقی دانها که در صدر

---

۱- در حاشیه الفهرست الضوء ثبت شده است  
 ۲- در جمهره المغنین ، الهزلییین ثبت شده و در حاشیه الفهرست ، اخبار  
 فی النوادر مضاف است.

اسلام به ثلاثة الائمة معروف بودند عبارت بودند از - معبد - ابن سريج و ابن  
محرز - این کتاب شرح احوال دوتن از این معاریف است)  
۲۹- کتاب اخبار الغریض (غریض یکی از چهار آوازخوان نامدار  
صدر اسلام بوده است .)

۳۰- کتاب تفضیل الشعر والرد علی من بحر مه وینقضه (در جمهرة المغنین  
جملة الاغانی الکبیر مضاف است .)

اینها نام کتابها ورسالاتی است که تالیف آنها را به اسحق موصلی نسبت  
میدهند و مؤلفان تاریخهای معتبر مانند: الاغانی - الفهرست - جمهرة المغنین و منابع  
موسیقی عرب آنها را در تواریخ خود ثبت کرده اند  
- متأسفانه از این آثار نسخه‌ای که قابل اعتماد باشد در دست نیست ولی  
قدمسلم آنستکه اسحق تا آنجا که میسر بوده است از دانش و هنر پدر خود بهره  
بر گرفته و شخصاً نیز ابداعاتی داشته است.

دنباله دارد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی